



قاچاق اموال فرهنگی؛

تهاجم همه جانبه به ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی

نازیلا لطفی مشهدلو

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اجتماعی

چکیده

تاکنون قاچاق اموال فرهنگی به عنوان یک معضل در کشورهای جهان سوم مطرح بوده و بررسی شده است. این پدیده که با اهداف مختلف در کشورهای استعمار شده در گذشته شدت فراوانی داشته است، با نابودی فرهنگی یک کشور و انباشته شدن اموال فرهنگی در کشورهای استعمارگر همراه گردیده است. این معضل در پی ضعف وضعیت اقتصادی، شدت می‌گیرد. نوشتار پیش رو به بررسی صدمات قاچاق اموال فرهنگی در بخش‌هایی از کشور و ریشه‌یابی آنها می‌پردازد.

به نظر می‌رسد که عمق ضررهای وارد آمده به کشورها فقط ریشه در مشکلات اقتصادی ندارد؛ بلکه هدف آن تهاجم همه‌جانبه به ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و در یک جمله هویت ملی و دینی سرزمین‌هاست. در این نوشتار به بررسی نظریه‌هایی درباره‌ی قاچاق اموال فرهنگی پرداخته و چگونگی نابودی ماهیت فرهنگی کشورها توسط این پدیده‌ی شوم مورد بحث قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: قاچاق، اموال فرهنگی، میراث فرهنگی، تغییرات فرهنگی

مقدمه

کشور ایران از باستانی ترین کشورهای جهان است که از دیرباز با معضل قاچاق اموال فرهنگی روبه‌رو بوده و متأسفانه امروز نیز این پدیده هم‌چنان ادامه دارد. حمل و نقل غیر قانونی اموال فرهنگی که میراث مردمان سرزمین‌های مختلف را مورد تهدید قرار می‌دهد، در قرن بیستم میلادی فزونی یافته است. اگر تمدن چیزی است که پیشینه ما را تعریف می‌کند، قاچاق اموال فرهنگی به منزله محو نشانه‌های وجودی تمدن ماست.

پدیده قاچاق اموال فرهنگی هرگز تا این زمان، کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه را متأثر نکرده است. امروزه شبکه بین‌المللی از قاچاقچیان، به کمک کانال‌های تشکیلاتی بسیار منسجم در داد و ستد، حمل و نقل و فروش اموال فرهنگی در مناطق و کشورهای که به وارد کردن این اموال می‌پردازند، مانند اروپا، شمال آمریکا و ژاپن فعالیت دارند.

تعریف میراث فرهنگی

تعاریف مختلفی از میراث فرهنگی وجود دارد که در ذیر به دو تعریف از آن اشاره می‌شود:

الف) در ماده یک اساسنامه‌ی میراث فرهنگی کشور، در تعریفی از میراث فرهنگی آمده است: «میراث فرهنگی شامل آثار باقیمانده از گذشتگان است که نشانگر حرکت انسان در طول تاریخ است و با شناسایی آن، زمینه شناخت هویت و حفظ فرهنگی آن میسر می‌گردد و از این طریق زمینه عبرت برای انسان فراهم می‌آید».

ب) طبق تعریف لغت‌نامه اکسفورد، «هر چیز (شی یا مال) که از اجداد یا ادوار گذشته انتقال یافته است» میراث فرهنگی نامیده می‌شود.

ویژگی اموال فرهنگی

۱. اشیاء و اماکنی که دارای علائم مشخص بوده، نشانگر فرهنگ و معرف خودشان هستند؛ مانند عمارت‌ها، محل‌های مذهبی و اموال گوناگون متعلق به ادوار مختلف تاریخ جهان.

هر مالی که در غیر از حفاری‌ها به دست می‌آید، زمانی جزو اموال فرهنگی است که مشخصه لازم برای قرار گرفتن

استفاده می‌گردد، دلالت بر ذخیره‌های فرهنگی دارد که در سال‌های متمادی رسوب گردیده و در زمان حفاری آشکار می‌شود. چندین نوع از این رسوبات که به طور متوالی روی هم قرار می‌گیرند یک «محوطه» را تشکیل می‌دهند. اما گاه این اشیاء به طور غیر علمی (قاچاق) از محل خود یعنی جایگاهی که این لایه‌ها قرار دارند خارج می‌گردند و هویت رسوب و سپس محوطه نابود می‌شود.

اموال مناسب برای قاچاق

اموال مناسب برای قاچاق به دو بخش مختلف تقسیم می‌گردد:

۱. اشیایی که در سطح زمین پراکنده و هویت‌دار هستند.

۲. اشیایی که در زیر خاک یعنی در لایه‌های محوطه‌های باستانی قرار می‌گیرند. همه این اموال دارای یک ویژگی هستند و آن این است که دارای چهار چوب شخصیتی قراردادی می‌باشند که به آن هویت گفتیم.

قاچاق اموال فرهنگی در آمریکای جنوبی شامل:

الف) دزدی تندیس‌های سنگی بعد

در چهارچوب این تعریف را داشته باشد؛ بدین معنا که بیانگر یک هویت انتقال‌یافته باشد و البته شناسایی این هویت را باید به دست متخصصان سپرد. بدین ترتیب هر شیء یا عمارت یا گیاه که دارای ویژگی‌های خاص باشد جزو این طبقه قرار می‌گیرد.

۲. اموالی که دارای مشخصات لایه‌ای هستند، جزو اهداف قاچاقچیان اموال فرهنگی قرار می‌گیرند. برای درک صحیح‌تر از موقعیت این گونه اموال، نخست به این نکته اشاره می‌کنیم که محوطه باستانی، مکانی است که با حفاری، چه به صورت عملی چه به صورت قاچاق به هیچ وجه نمی‌توان دوباره آن را بازسازی کرد.

هر محوطه باستانی از یک تا چندین لایه تشکیل می‌شود. کلمه لایه دلالت بر رسوبات ذخیره شده‌ای دارد که با گذشت سال‌ها به وسیله حفاری آشکار می‌گردد. بسیاری از این رسوبات متوالی به عنوان ذخیره‌هایی از استقرار در یک مدت زمانی مشخص هستند که ما آن را «دوره» می‌نامیم و توسط کاوش‌های باستان‌شناسی به دست می‌آیند. لغت «لایه» که در باستان‌شناسی

می‌دادند و چنین اموالی را در بازار به راحتی عرضه می‌نمودند. چنین علاقه‌ی شدیدی برای ابزار دست‌ساز به عنوان یک مشکل برای محققان مطرح می‌گردد. انتشار گسترده‌ای در خصوص ابزار دست‌ساز باعث گسترش علاقه‌ای در بین محققان به ابزار دست‌ساز گردیده بود. هم‌چنین موجب تشویق غارتگران و افزایش قاچاق چنین ابزارهایی می‌شود. پس اموال فرهنگی مناسب برای قاچاق را به طور کلی می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

این هویت شامل، هویت ملی، مذهبی و یا به طور کلی تمدن بشری است.

هویت اموال

تأثیر قاچاق اموال فرهنگی بر تمدن هر کشور را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

الف) ساختار بدون هویت آن تمدن که در کشور محل قاچاق باقی می‌ماند.
ب) هویت تمدن که در دست قاچاقچیان به خارج انتقال پیدا کرده و در مرزهای خارج سرگردان است.

تاریخ قاچاق اموال فرهنگی در ایران

عوامل دیگری نیز موجب تسریع پدیدهی قاچاق اموال شده‌اند. این عوامل را که به صورت عمد یا غیر عمد موجب نابودی اثرات تمدن‌ها گردیده‌اند، می‌توان به چندین گروه عمده طبقه‌بندی کرد که عبارت‌اند از:

الف) استفاده از مواد اولیه‌ی عمارت‌های باقی‌مانده از محوطه‌های باستانی برای استفاده در ساختمان‌سازی و دیگر موارد مورد نیاز در حوالی محوطه. این عمل ممکن است حتی توسط افراد بومی به منظور ساختن عمارت‌هایی برای نشیمن خویش باشد. این گونه فعالیت‌ها موجب آشکار شدن اموال فرهنگی شده و در نتیجه معطوف شدن نظر قاچاقچیان اموال فرهنگی به یک منطقه گردیده است.

یکی دیگر از عواملی که قاچاقچیان، دلالت و حفاران غیر مجاز را تحریک می‌کند، عملیات عمرانی وزارت‌خانه‌ها است. مانند وزارت مسکن و شهرسازی، راه و ترابری، پست و تلگراف و تلفن و شهرداری‌هاست، که به فعالیت‌های ساختمانی اداره‌های دولتی و یا عمومی



می‌شود که هدف اصلی این نوع مشاغل، قاچاق اموال فرهنگی است. البته باید به نقش جهان‌گردانی هم توجه داشت که به قصد آوردن هدایای با ارزش و دارای اهمیت خاص، به جابه‌جایی و انتقال اموال فرهنگی یک کشور می‌پردازند. این جهان‌گردان به تنهایی ابزار قابل حمل تندیس‌های سنگی بزرگ و یا تخته‌سنگی‌هایی را که وزن آن‌ها آن قدر بود که یک قاطر می‌تواند آن را حمل کند، از محل‌های مورد بازدیدشان به نقاط دیگر انتقال

از آن که به صورت قطعه قطعه در آمده تا امکان جابه‌جایی آن را بتوان فراهم آورد.

ب) حفاریات پنهان برای جست‌وجوی اشیاء کوچک بسیار قیمتی شامل عتیقه‌جات معابد.

ج) گروه کم‌تری که شامل قاچاق نقاشی‌های دیواری، علائم معماری مانند پیکربندی، گچ‌بری، و درهای خارجی عمارت‌ها می‌باشد.

البته این را نباید نادیده گرفت که پیدا شدن این اموال به صورت اتفاقی در نتیجه‌ی ساختمان‌سازی، کشاورزی و یا توسعه برای کشت و کار، نمی‌تواند عنوان دزدی داشته باشد.

نوع دیگری از قاچاق اموال فرهنگی خرد، توسط گروه‌هایی کوچک محلی رخ می‌دهد. این پدیده که نمی‌توان آن را قاچاق فرهنگی محسوب نمود، معمولاً برای ایجاد یا گسترش مجموعه‌های باستان‌شناسی انجام می‌گیرد. این عمل به سادگی در اکثر محوطه‌هایی که جمعیت پراکنده و قلیلی در آن زندگی می‌کنند و ساکنان آن در گذشته با تمدن‌های عالی تماس داشته‌اند که از نظر جهانی مشهور هستند، انجام

**بین جوانان بی اطلاع؛
و عدم اطلاع دقیق از
شیئی که کشف می‌کنند،
آن چنان تأثیرات منفی در
بین ایشان داشته که در
برخی مواقع بدون آن که
از ارزش واقعی یک شیئی
آگاه باشند به قتل عام
یک‌دیگر می‌پرداخته‌اند**

می‌پردازند. در این میان به فعالیت‌های کشاورزی و شخم‌زنی، اشاره می‌شود. باید به این نکته پرداخت که خاکبرداری، تعمیرات ساختمان‌های قدیمی، تخریب منازل، و مجرای آبرسانی نیز در کشف محوطه‌های باستانی نقش مهمی را ایفا می‌نمایند.

برای مثال در روستاها با شخم زدن زمین توسط کشاورزان، ایجاد گودال‌ها، عملیات گسترش و زیباسازی مانند اطراف غار علی‌صدر که در تاریخ ۱۹/۷/۷۲ انجام گرفته اشاره نمود. خاک‌برداری برای کابل‌گذاری مخابرات در بیدگل (کاشان) منجر به کشف جسد پیکر ملامحمد هادی بیدگلی عالم معروف شد که در ۱۱۳۱ هـ ق در گذشته است. لایروبی قنات روستایی توبرجین در ۱۳/۱۱/۷۳ موجب یکی دیگر از این کشفیات اتفاقی شد.

این کشفیات اتفاقی ناشی از خدمات هیأت‌های اعزامی علوم مختلف می‌باشد؛ که به ویژه می‌توان بررسی‌های گروه زمین‌شناسی، معدن، جانورشناسی، گیاه‌شناسی و دیرینه‌شناسی را نام برد. در این راستا نکته جالب آن است که این گونه کشفیات توسط هیأت‌های اعزامی چه علمی و چه ورزشی، دستاوردهای ارزشمندی را برای علم باستان‌شناسی به ارمغان آورده است. کشف آثار زندگی انسان‌های پیش از تاریخ توسط غارنوردان در کرمانشاه و یا کشف آثار کنده‌کاری شده بر روی سنگی در حومه همدان توسط گروه تحقیق حوزه تاریخ طبیعی دانشکده‌ی کشاورزی از جمله کشفیات اتفاقی است.

در این مسیر، مذهب دلان هیچ‌گونه نقشی در فعالیت آنان ایفا نمی‌کند و حتی اعتقادات بومی در آنان تأثیر زیادی ندارد. آنان با حمله‌ور گردیدن به اماکن مذهبی و امام‌زاده‌ها به دزدیدن قرآن خطی و غیره می‌پردازند. این مشخص است که قاچاق اموال فرهنگی اختصاص به مذهب و اشیای خاصی ندارد؛ بلکه هر شیئی که به نظر آنان دارای ارزش بوده به سرقت رفته و در نهایت فروش آن می‌پردازند.

ب) حفاری‌هایی که در محوطه‌های باستانی توسط سازمان میراث فرهنگی کشور انجام می‌گیرد، از دیگر عوامل بالا رفتن قاچاق می‌باشد. این حفاری‌ها باعث بالا رفتن آگاهی ساکنان بومی از محوطه‌ها می‌گردد و در نهایت قاچاقچیان

اموال، با کمک این آگاهی که به طور رسمی از حفاری‌ها به دست می‌آورند، به اهمیت این محوطه پی می‌برند و بعد از پایان یافتن حفاری‌های قانونی، نوبت به حفاری‌های قاچاقچیان، بومیان و ... می‌گردد. نگهبان در کتاب خود اشاره به حفاری مارلیک دارد و بعد از آن که به روش حفاری در محل اشاره می‌نماید، به این نکته می‌پردازد که حفاری‌ای که توسط مسئولان حفاری در محل انجام گرفت باعث گردید که تعداد زیادی اشیای طلا کشف گردد و بالا رفتن تب طلا را در بین کارگران حفار پدید آورد. چند کشف اشیای نفیس و به خصوص طلا که هر روز توسط کارگران در دهکده و سپس در مناطق دیگر انتقال می‌یافت، باعث جمع شدن مالکان دروغین تپه و قاچاقچیان می‌گردید که قبلاً در منطقه بوده‌اند.

افرادی که به قاچاق اموال فرهنگی به عنوان یک پیشه‌ی دائمی دست می‌زنند، همیشه از حرفه‌ی دیگری برای پوشش به کار خودشان یاری می‌جویند تا با پوشش دادن و حمل اموال فرهنگی به قاچاق آن پردازند

دامنه‌ی شایعات بدان جا می‌رسد که چند کشف آثار باستانی، حالت اغراق آمیزی به خود گرفته و شایعاتی همانند وجود بازار طلایی، دروازه‌ی طلایی، قایق طلایی و کلیدهای طلایی در محوطه‌ی کشف شده سر زبان‌ها افتاد.

او‌کر در پایان به وضعیت اسفناک محوطه به خاطر حمله‌ور گردیدن قاچاقچیان می‌پردازد که نتیجه‌ی آن حرص و ولع دلان برای به دست آوردن آثار بیش‌تر گردیده و محوطه را به محل زد و خورد و کارهای خلاف قانون خود تبدیل کرده‌اند و به صورت غیر مجاز رأساً اقدام به حفاری نموده و باعث تشدید این فعالیت در دیگر محوطه‌های

باستانی در اطراف محوطه شده و به رشد قاچاق در محل می‌انجامد.

پ) بارش باران فصلی و فرسایش تدریجی محوطه‌های باستانی از عواملی است که باعث در معرض عموم قرار گرفتن محوطه‌های باستانی می‌گردد و یکی دیگر از عوامل قاچاق اموال فرهنگی می‌باشد. این قاچاقچیان با اجیر کردن افراد روستایی در فصل بارش باران که باعث آشکار شدن محوطه‌های باستانی در اثر فرسایش گردیده به قاچاق می‌پردازند که این افراد بعد از پایان بارش‌های فصلی به منظور بررسی بیش‌تر این محوطه‌ها به آن محل‌ها رفته و در آن جا به جمع‌آوری اموال فرهنگی می‌پردازند.

ت) نادر و یا کم‌یاب بودن اموال فرهنگی می‌تواند یکی دیگر از اهداف قاچاقچیان برای فروش به مجموعه‌داران و موزه‌ها باشد. البته نباید این نکته را از ذهن دور داشت که کم‌یاب بودن هر شیئی می‌تواند وسیله‌ی خوبی برای جعل کردن آن گردد. قاچاقچیان، با اطلاعات دقیقی که از وضعیت انحصاری آن اشیاء کسب کرده‌اند، برای کسب و جعل آن، استفاده می‌برده‌اند.

ث - یکی دیگر از عوامل بالا رفتن قاچاق اموال فرهنگی تغییرات شدید فرهنگی اقتصادی رخ داده شده است که باعث رشد قاچاق اموال فرهنگی توسط سودجویان و سعی در فروش آن برای کسب منافع سرشاری می‌باشد که از این معاملات به دست می‌آید.

فقر فرهنگی، اجتماعی و بی‌کاری، به ویژه در محل‌های روستایی (که در زمان برداشت محصول تا زمان کاشت، زمین و محوطه‌های باستانی آماج کنده‌کاری‌های روستاییان و ... می‌شود). به طور گسترده آمادگی پذیرش فعالیت‌های غیر قانونی حفاری‌های غیر مجاز را پدید می‌آورد. از این گذشته، بی‌کاری از این گذشته، شدید در روستاها و عدم کشت و کشاورزی در همه‌ی سال باعث می‌گردد که به محوطه‌های باستانی حمله‌ور گردیده و باعث نابودی این محوطه‌ها گردند.

و) جمع‌آوری اموال فرهنگی در بین روستاییان به علت ناآگاهی ساکنان روستا از اهمیت میراث فرهنگی یکی دیگر از راه‌های گسترش و قاچاق اموال فرهنگی هستند. این قاچاقچیان دوره‌گرد به جمع‌آوری اموال فرهنگی در



از مسائل امر قاچاق اموال فرهنگی در کشور می‌گردد. دادستان عمومی تهران نیز این نظریه را عمومیت بخشید و مردم را به عنوان مسئول اصلی حفاظت و نگاه‌داری اموال فرهنگی انتخاب می‌کند تا مانع قاچاق و غارت میراث فرهنگی کشور گردند.

عمومیت یافتن قاچاق اموال فرهنگی در بین جوانان بی اطلاع؛ و عدم اطلاع دقیق از شیئی که کشف می‌کنند، آن‌چنان تأثیرات منفی در بین ایشان داشته که در برخی مواقع بدون آن که از ارزش واقعی یک شیئی آگاه باشند به قتل عام یک‌دیگر می‌پرداخته‌اند.

این قتل‌ها و نزاع‌های خطرناک گاهی به قتل نیز دیگر می‌انجامید؛ چنان که پس از اتمام حفاری غیر مجاز و فروش اشیای عتیقه در ساوه شش نفر بازداشت شدند؛ در حالی که راز این افراد به هنگام دعوا بر سر تقسیم اشیای کشف شده، عتیقه برملا گردیده بود. ■

فهرست منابع:

۱. مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ؛ سال‌های چهارم؛ هفتم و دهم.
۲. مجموعه‌ی قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و معاهدات میراث فرهنگی کشور؛ ۶۷۳۱؛ به کوشش صمدی رندی؛ چاپ سوم؛ ۶۷۳۱.
۳. نگهبان؛ عزت...؛ پنجاه سال باستان‌شناسی کشور؛ سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۷.
۴. یادنامه‌ی گردهمایی باستان‌شناسی شوش؛ جلد اول؛ سازمان میراث فرهنگی کشور؛ ۶۷۳۱.
۵. مجموعه مقالات سومین همایش ملی بررسی پدیده‌ی قاچاق کالا، و راه‌های پیش‌گیری از آن برگزار کننده: پژوهشکده‌ی اقتصاد دانشگاه تربیت‌مدرس؛ - تهران؛ دانشگاه تربیت‌مدرس؛ پژوهشکده‌ی اقتصاد؛ ۹۷۳۱.
۶. مقاله‌ی بررسی تئوری قاچاق اموال فرهنگی؛ فرهنگ‌خامی ندوشن و علی بوربور.

ارزش میراث فرهنگی کشورشان؛ ناتوانی ارتباط موجود بین سازمان‌های مسئول و مردم در جهت توجیه آنان برای حفظ اموال فرهنگی؛ پایین بودن سطح آموزش در سازمان میراث فرهنگی؛ عدم شناسایی محوطه‌های باستانی کشور و عمارت‌هایی که باید مورد حفاظت قرار

داد و سندهای پایاپای محلی پرداخته با جمع‌آوری اموال فرهنگی در بین مردم و فروش آن به واسطه‌های بالاتر، نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

افرادی که واسطه‌ی بین دلالان روستاها و شهرهای بزرگ هستند به دو گونه عمل می‌کنند:

الف) اگر اموال فرهنگی به دست آمده از ارزش بالایی در بین دلالان برخوردار نباشد، در همان محل ذوب گردیده و به شمش مبدل می‌گردد و از آن وسایل زینت‌آلات تهیه می‌شود.

ب) اگر دارای قیمت گزافی باشد، قاچاقچیان آن را به مرکز شهرستان و سپس از آن جا به مرکز کشور یعنی پایتخت انتقال می‌دهند تا از کشور خارج گردد.

خارج از این قاعده، روستاییان هم به مراکز شهرستان‌ها ره‌سپار شده و به قاچاقچیان بزرگ‌تری در شهرهای بزرگ رجوع کرده و سعی در فروش اموال فرهنگی به دست آمده به آنان دارند. این افراد معمولاً کسانی هستند که حجم اموال کشف شده‌ی خود را بالا و دارای ارزش قابل توجهی برای فروش می‌شمردند و معمولاً جمع‌گیری از قاچاقچیان اموال فرهنگی دست‌گیر شده را در شهرهای بزرگ این افراد تشکیل می‌دهند که در معاملات صوری دست‌گیر و راهی زندان گردیده‌اند.

افرادی که به قاچاق اموال فرهنگی به عنوان یک پیشه‌ی دائمی دست می‌زنند، همیشه از حرفه‌ی دیگری برای پوشش به کار خودشان یاری می‌جویند تا با پوشش دادن و حمل اموال فرهنگی به قاچاق آن بپردازند.

این افراد بیش‌تر ترجیح می‌دهند، زیر پوشش شرکت‌های حمل و نقل و یا حرفه‌هایی فعالیت کنند که بتوانند با ترکیب فعالیت‌های غیر قانونی خود، از پوشش مناسبی برخوردار گردند. در این میان پیشه‌ی خرید و فروش اموال بدلیجات، قالی‌فروشی، خرید و فروش کتاب‌های خطی و یا اشیای تزئینی را می‌توان نام برد.

نتیجه‌گیری

آن چه باید در ارتباط با گسترش قاچاق اموال فرهنگی در طی سال‌های اخیر بیان کرد، همانا ناآگاهی مردم از

عمومیت یافتن قاچاق

اموال فرهنگی در بین

جوانان بی اطلاع؛ و عدم

اطلاع دقیق از شیئی که

کشف می‌کنند، آن‌چنان

تأثیرات منفی در بین

ایشان داشته که در برخی

مواقع بدون آن که از

ارزش واقعی یک شیئی

آگاه باشند به قتل عام

یک‌دیگر می‌پرداخته‌اند

گیرند، را می‌توان برشمرد. مهم‌تر از همه نبودن نقشه‌ی مدونی از وضعیت اماکن و محوطه‌های باستانی کشور است که زمینه را برای قاچاق اموال فرهنگی گسترده در ایران گشوده است. آموزش مردم و مشارکت توده‌ی عظیم مردمی در حفاظت محوطه‌های باستانی از آن‌چنان اهمیت برخوردار است که نگهبان با کمک معلمان کشور برای بهبود وضع فرهنگ در ایران تلاش نمود. این کار که با انتقال اطلاعات زیادی درباره‌ی حفاری‌های مخفیانه بود، راه‌گشای خیلی